

تشکیل مجلس مؤسسان ضروری است، اما محتوا را فراموش نکنیم

تشکیل یا عدم تشکیل مجلس مؤسسان مسئله روز است. درباره ضرورت تشکیل آن از طرف نیروهای متعدد خلقی و دموکرات و حتی لیبرال، سخن بسیار گفته شده است بطوریکه آنرا در حد یک بدیهه میتوان شمار آورد. طرفداران تشکیل مجلس مؤسسان و آنها که بر ضرورت آن اصرار دارند به پشتوانه حقوقی و تاریخی مسئله اشاره میکنند، از لحاظ سیر مراحل قانونگذاری در خود ایران و نیز کیفیت برخورد رژیم - های گذشته موضوع را بررسی کرده قاطعانه اظهار می دارند که حتی رژیم ضد مردمی و قانون شکن پهلوی نیز جرات نکرد اصل تشکیل مجلس مؤسسان را نادیده بگیرد. آنها همچنین وعده های قاطع آیت الله خمینی را پیش از واگذاری رژیم شاه (آنجا که در پاریس یکی از وظایف " شورای انقلاب اسلامی " را " بررسی و مطالعه شرایط تاسیس دولت انتقالی و تهیه مقدمات اولیه آن و تشکیل مجلس مؤسسان و انجام انتخابات " ذکر مینمایند - اطلاعات ۲۳ دی ماه ۵۷ -) و یا به هنگام معرفی مهندس بازرگان به عنوان نخست وزیر، درست ۴ روز قبل از قیام مسلحانه در مدرسه علموی تهران چنین میگویند: " رئیس دولتی را معرفی می کنیم که موقتا دولتی تشکیل بدهد که هم به ایمن آشتکیها خاتمه بدهد و هم این مسئله کنونی که مجلس مؤسسان است. انتخابات مجلس مؤسسان را درست کند و مقدمات آنرا درست کند و مجلس مؤسسان تاسیس شود و انتخابات مجلس هم انجام بشود و آنها دولت قانونی را انتخاب کنند و مجلس مؤسسان که تشکیل شد جمهوری اسلامی را به فرزندم بگذارد " (اطلاعات ۱۷ بهمن ۵۷). نیروهای طرفدار تشکیل مجلس مؤسسان صریحا یا تلویحا بدستی اشاره میکنند که هر خلاف آن وعده ها نشانه دارد رژیم را کنار داده میشود. و با تشکیل مجامعی من در آوردی نظیر مجلس " خبرگان " موضوع با بینهمی بدست فراموشی سپرده میشود. شاید از کسانی که فرزندم معروف را به آن شکل راه انداختند جز این نیز نباید انتظار داشت. ادامه در صفحه ۲.

بازهم درباره ملی کردن بانکها

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

بیکار

دوشنبه، بیست و هشتم خرداد ماه ۱۳۵۸ - بها: ۱۰ ریال

نتایج قیام بهمن ماه و جنبه طبقاتی تحول سیاسی حاضر

مقدمه:
بررسی قیام پرشکوه بهمن ماه و نتایج سیاسی - اجتماعی آن از اهمیت ویژه برخوردار است. این کار چه از لحاظ تعیین برنامه و متی و چه از جنبه برخورد عملی به مسائل جنین، دارای اهمیت محوریست. ما بسیم خود کوشیده ایم که به بررسی زمینه ها و نتایج قیام بپردازیم، و در همین رابطه قبلا زمینه های اقتصادی قیام را در بیکار درج کردیم و اخیرا ارزیابی خود را در مورد زمینه های قیام از لحاظ سیاسی و اقتصادی و جنین شده ای منتشر ساخته ایم. و اینک در اینجا ملاحظات خود را در زمینه نتایج قیام بهمن ماه میآوریم:

از بین رفته بودند انسان را سخت متاثر میکند. این روستا ثبات زجر کشیده در چنین شرایط سخت و در چنین منطقه دور افتاده بدون امکانات زندگی میکنند و چنین بلاهایی را نیز متحمل میشوند. این دهکده قبلا حدود ۱۳۰ خانوار (حدود ۱۰۰۰ نفر) جمعیت داشت و در هنگام بمباران روستا ثبات در روستا نبوده اند (به بیلاقی رفته بودند) جز اعضای یکسک ادامه در صفحه ۵

گزارشی از روستاهای بمباران شده کردستان

از دهکده " بیوران " (جنوب غرب سردشت و نزدیکی آن) تا روستای " کنه مشک " یک ساعت پیاده راه است و از اینجا پس از ۱/۵ ساعت پیاده روی به روستای " کانی زرد " میرسیم. این روستا که حدود ۸۰ خانوار (۴۰۰ نفر) جمعیت دارد یکی از روستاهای است که مورد هجوم هواپیماهای عراقی قرار گرفته بود. در سه کیلومتری این روستا و در داخل خاک عراق یکی از پایگاههای متعلق به کومله م. ل. و اتحادیه میهن پرستان کرد (عراق) (به رهبری جلال طالبانی) قرار دارد. روی این روستا ۵ بمباران داشته بودند که هیچ کدام روی آبهای نیافتاده بود. از محل سقوط بمبها عکس گرفتیم. شدت انفجارات بقدری بود که بیشتر شیشه و پنجره های دهکده را شکسته بود و خانه ها به شدت تکان خورده حالتی از رعب و هراس اهالی این روستا و روستاهای دیگر را فرا گرفته بود. در نتیجه از آن دو نفر زخمی شده بودند.

کشتار خلق عرب محکوم است
۳۴ صفحه
۶۴ صفحه
مبارزات کارگران کوره یزخانه ها
۷۴ صفحه

یک هفته قبل از آن هواپیماهای عراقی ارتفاعات بوزل و روستای کوره سبز را بمباران کرده بودند. روستای بمباران شده کوره سبز که بر بالای تپه های مجاور کوهها ساخته شده است روستائی است. و کور که بوی مرگ میداد شنیدن صدای چند از دور و بوی لاشه های گاو و اسب و... که در اثر بمباران سوخته و

لایحه مطبوعات گلمی به قهقرا
روز ۱۴ خرداد وزارت " ارشاد ملی " لایحه پیشنهادی خود را منتشر و یک فرصت ۱۰ روزه برای برخورد با آن مینماید.

۲۹ خرداد، روز خلقید، روزی تابناک و الهام بخش

اما او بنا به قول چند تن از نزدیکترین یارانش " بعد از ملی کردن نفت دیگر برنامه ای نداشت " او دیگر از حد و مرز طبقاتیش نمیتوانست با فراتر گذارد و پیگیرانه مبارزه دموکراتیک ضد امپریالیسم لیسیتی توده ها را به شمر رساند. این ناتوانی از ماهیت طبقاتی او منشاء میگرفت، هرچند تا آنجا که ادامه در صفحه ۲

در مبارزات وقفه ناپذیر خلقهای ستمدیده ایران برای طرد سلطه امپریالیسم و ارتجاع از میهن و کسب استقلال اقتصادی و سیاسی، روز ۲۹ خرداد ۱۳۳۵ روزی فراموش ناشدنی است. حاکمیت همه جانبه انگلیسی ها بر نفت ما پس از ۵۰ سال (۱۹۰۱ - ۱۹۵۱) پایان یافت. نهضت ملی کردن نفت که رهبری شادروان دکتر محمد مصدق و با پشتیبانی عموم زمین کتان ایران در یک مرحله به پیروزی رسید و توانست از شرکت غارتگر نفت ایران و انگلیس خلقید نماید، از محتوای عظیم دموکراتیک و ضد امپریالیستی برخوردار بود. کوتاه کردن دست انگلیسی ها از گرانقدرترین منابع زیرزمینی ما چنان آنها و دیگر امپریالیستها را برآشفته کرد. در واژگون کردن حکومت ملی مصدق از هر وسیله ای، داخلی و خارجی سبک جستنند و حکومت او را در مرداد ۲۲ واژگون نمودند.

و مهاباد و با شرکت نمایندگان واقعی خلق کرد، متشکل از روحانیون مترقی به رهبری آیت الله عزالدین حسینی و گروههای سیاسی مترقی، ثرواتها، اتحادیه ها، کشاورزان و کارگران، خواهشهای بحق خود را تنظیم نموده و به آیت الله خمینی و دولت ابلاغ کرده اند.

گزارشی بسندج توجه به این روستا را حلقی کرد

خلق کرد طی دوران سیاه رژیم پهلوی، دوران ترکتازی و حاکمیت مطلق و بی چون و چرای امپریالیسم لیسیتی و بالاض امپریالیسم آمریکا - مضاف بر اینکه همانند تمامی خلقهای ایران تحت ستم و استثمار بی رحمانه قرار داشته، بلکه زیر نام " کسرد " بودن، فشار و ستم مغافی را نیز متحمل شده است. خلق کرد طی سالها مبارزه و نبرد بر علیه رژیم دست نشانده امپریالیسم بدستی دریافت کرده است که مبارزه جهت کسب حق تعیین سرنوشت و رفع ستم ملی اصولی ترین و انقلابی ترین راه برای قطع سلطه و نفوذ امپریالیسم از حیات خلق و میهن میباشد. و امروز نیز خلق کرد بر روی تحقق حقوق ملی خود پای فشرده و طی قطعه نامه ای ۸ ماده ای سند ج

در آن زمان جنبش سراسری توده ای برای کوتاه کردن دست انگلیسی ها از نفت چون سیل جاری بود اما رهبری آن نه بدست نیروهای انقلابی و دموکرات پیگیر بلکه بدست بورژوازی ملی بود که هر چند در سبک مرحله با سلطه امپریالیسم مبارزه میکند اما امکان سازش چنان در او زیاد است که مبارزه زحمتکشان خلق را به آسانی در راه وصول به منافع خود غرقانده خویشها کرده و آنرا میفروشد. مصدق میماند در راه ملی شدن صنعت نفت که نقش عمده ای در تأمین خواهشهای ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی توده های وسیع تشکیل میداد، کوشید.

تنها این قطعه نامه ها که با کیفیت فوق تصویب شده اند، میتوانند بازتاب منافع واقعی کرد، بیابانگر اراده و خواست خلق کرد باشند. تشکیل کنفرانس و تصویب قطعه نامه و آنهم بنا م و به نمایندگی خلق کرد بدون شرکت نمایندگان واقعی خلق کرد، بدون شرکت توده های زحمتکش کرد، علاوه بر اینکه متعکس کننده خواهشها و منافع خلق کسرد نمیشد، علاوه بر اینکه مشکلی از مشکلات کردستان را حل نمیکند، بلکه توهینی است به خلق کسرد، توطئه ای است برای خدشه دار نمودن حیثیت نمایندگان واقعی و روحانیون مترقی و بی اعتبار ادامه در صفحه ۲

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

ادامه از صفحه اول مجلس مؤسسان

اینها همه درست ، ماسد عین مرزبندی با نیروهای لیبرال و هدفی که آنها از مجلس مؤسسان دارند - همدا با کلیه نیروهایی که خواستار احترام گزاردن به نهادهای دمکراتیک جامعه هستند ، ضرورت تشکیل مجلس مؤسسان را مورد تأیید قرار میدهم و نادیده گرفتن این خواست عمومی را تحت هر عنوان و با هر توجیه که عملی شود محکوم می نمایم و آنرا ادامه منطق سیاست انحصارطلبانه و تنگ نظرانه رایج می - دانم ، که پیروان آنها شوک دماغ خودشان را می بینند و نمی توانند فراتر از آن چیز دیگری را ببینند . ما معتقدیم این شیوه مانع از شرکت نمایندگان واقعی و دلسوز زحمتکشان در تعیین سرنوشت خود میشود . و در نتیجه قانون اساسی آینده نخواهد توانست منافع زحمتکشان را در برگیرد . تصمیمی که برای ایجاد مجلس " خبرگان " بجای مجلس مؤسسان گرفته شده است ، هدفی جز دور ساختن انقلابیون و نمایندگان واقعی مردم را دنبال نمیکند . و گرنه نمایندگان واقعی توده های ستمدیده از تشخیص این با آن ماده قانون عاجز نیستند و بهیانه هایی که آورده میشود ، تنها گویای تنگ نظری و انحصارطلبی و افسوس و تحمیل کنندگان مجلس " خبرگان " به مردم ستمدیده است .

اما در رابطه با این مسئله ، به یک نکته کمتر اشاره رفته و تنها برخی از نیروهای انقلابی - مارکسیست - لنینیست از آن سخن گفته اند و آن محتوای مجلس مؤسسان است . این امر از نظر ساز و تشکیل یا عدم تشکیل مجلس مؤسسان اهمیت بسیار بیشتری دارد ، زیرا آنها که آن رفرا ندیم را برآه انداختند میتوانستند مجلس مؤسسانی هم که بهمان سبب باشد برآه اندازند - اگرچه نه به آن آسانی ، و بهیمن دلیل هم هست که از انجام آن طفره رفتند - آنها میتوانستند مجلس مؤسسانی که محتوای طبقاتی همین دولت با فلان شورا و مجلس مشورتی را داشته باشد ، بنیازند و برای تمام آنچه بنام " قانون اساسی " سرهم کرده اند امضا بگیرند . اما آنها برآستی تشکیل چنین مجلسی کدام درداز دردهای کنونی توده های زحمتکش ما را درمان میکند ؟

از دیدگاه توده های زحمتکش خلقهای ما که به بیشترین بار انقلاب را بدوش کشیدند و در آغاز راه طولانی خویش توانستند سلطنت پهلوی را پیروزمنده اند و از گون سازند ، قانون اساسی باید بیانگر خواستهای انقلابی و دمکراتیک خلقهای ما باشد :

- قانونی که راه را برای همیشه بر سلطه امپریالیستها و وابستگی کشور بدانها ببندد و استقلال کامل سیاسی ، اقتصادی ، فرهنگی و ... ما را تضمین نماید ؛
- قانونی که دست ارتجاع داخلی ، زمینداران بزرگ و بورژوازی وابسته را قاطعانه از مقصدات زحمتکشان خلقهای ما کوتاه کند و با حل انقلابی مسئله ارضی و نابودی کامل مناسبات ماقبل سرمایه داری از جمله مناسبات عشائری ، و ملی کردن سرمایه های وابسته چه صنعتی و چه مالی ، راه را برای رشد سالم اقتصاد کشور به نفع زحمتکشان بگشاید ؛
- قانونی که آزادی های فردی و اجتماعی که حد اقل آنها آزادی قلم و بیان و اجتماعات ، آزادی مذهب ، انتخاب مسکن و کار را باز در چهارچوب منافع نیروهای دموکراتیک خلق به رسمیت بشناسد ؛
- قانونی که حق داشتن مسکن و حق داشتن کار مناسب را برای هر فرد ایرانی مورد تأکید قرار دهد .
- قانونی که با حل دموکراتیک مسئله خلقهای ایران و به رسمیت شناختن حق آنها در تعیین سرنوشت خویش ، تمامیت وحدت ارضی ایران و زندگی برادرانه آنها را در کنار هم تأمین نماید ؛
- قانونی که بیشترین بها را به اصلی ترین نیروهای مولده یعنی طبقه کارگر داده زمین کننده حقوق حقه آنان در چهارچوب یک جمهوری دموکراتیک خلق بیاشد ؛
- قانونی که حد اقل تحصیلات و آموزش را برای همگان مجانی و الزامی کرده ، بهداشت رایگان و طب ملی را برای عموم تأمین نماید ؛
- قانونی که سازماندهی ارتش دست پرورده رژیم پهلوی و اربابان آمریکائیش را بر هم زده بجای آن ارتش خلق را برای حفظ مرزهای کشور تشکیل دهد ؟

ادامه از صفحه اول ۲۹ خرداد

وای علیه امپریالیسم انگلیس مبارزه کرد و ما دفا سدر در مقابل آنها ایستاد ، او را باید راج نهاد ، اما او دهر مورد حل مسئله ارضی ویرانداختن فتودا لیسار و نه برای برانداختن رژیم شاه و برجیدن مبارزکننده سربدگسی به امپریالیسم بود و نه برای بسیج و سازماندهی انقلابی توده های خلق و مسلح کردن آنان و ... برای هیچکدام برنامه ای نداشت .

خلق بد در یک مرحله به ثمر رسید اما محتوی و بعد مبارزات خلق که میخواست قطع بندهای وابستگی به امپریالیسم را برای همیشه قطع کند برای کسانی که آنروز سوار بر موج بودند آشکار نبود و نمیتوانست هم باشد . مهندس بازرگان و چند تن دیگر از سران جبهه ملی اجرای قانون خلق بد را به عهده داشتند که با پشتیبانی و حرکت سیل های مردم پیروز مندانه عملی گردید اما ما هم نظور که گفتیم رهبری بورژوازی آنروز نمیتوانست نسبت ابعاد خواستهای مردم را درک کرده و بگیرد - مبارزه را ادامه دهد . جبهه ملی در آنروز با امیر - یالیسم انگلیس تا حد خلق بد مبارزه کرد اما بعدها با قبول دکترین آیزنهاور (سال ۲۷) مقدم امپریا -

ادامه از صفحه اول کنفرانس سندج

ساختن آنان ، تلاشی است در جهت ایجاد تفرقه و نفاق در صفوف متحد و یکپارچه خلق و ایجاد زمینه مساعد برای فعالیت و رشد مرتجعین و فتودالها . بگذریم از اینکه جمعی از خود همین تشکیل دهندگان کنفرانس معلوم الحال تا دیروز وابسته و نوکر حلقه بگوش رژیم منفور پهلوی بوده اند .

عزالدین حسینی روحانی مترقی کرد کنفرانسی مذکور را محکوم کرده و میگوید که :

" البته هرکس بطور فردی میتواند از مردم برای شرکت در یک اجتماع دعوت به عمل آورد و ایمن یک حق فردی است ولی نمیتواند به اسم یک خلق و یا جمعیت سیاسی باشد . برای اینکه نه من و نه هیچکس دیگر نمی توانیم و حق نداریم بنام خلق کرد دست به اقدامی بزنیم که مورد تأیید نباشد . در کنفرانس مذکور نمایندگان واقعی خلق کرد ، توده کرد شرکت ندارند و هر تصمیمی و هر قطعنامه ای هم که صادر شود به هیچ وجه مورد تأیید نیست و تنها نمایندگان قعی می توانند درباره سرنوشت خلق کرد تصمیم بگیرند . " (آیندگان ۲۰ خرداد)

- قانونی که تساوی حقوق بین مردم ایران را صرفنظر از مذهب و جنس نژاد مورد تأکید قرار دهد ،

- قانونی که با احترام کامل به تقدس خانواده راه را برای رشد استعداد های زنان در کلیه زمینه های علمی و اجتماعی باز بگذارد و به هیچ دلیلی حقوق انسانی آنان را فراموش نکند ؛

- قانونی که جدائی دین از سیاست را (در عین احترام به ادیان مورد اعتقاد مردم) تصریح نموده داختن این یا آن دین را مبنای هیچ امتیازی قرار ندهد ؛

- قانونی که روابط ایران را با کشورهای دیگر بر اساس احترام متقابل و عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر و بر اساس مبارزه با امپریالیستها و مرتجعین و دوستی با کشورهای سوسیالیستی و ملل از بند رسته و حمایت همه جانبه از جنبشهای آزادی بخش جهان بخصوص جنبش خلقهای منطقه ، پایه ریزی نماید .

- قانونی که ...

- قانونی که ...

آری مجلس مؤسسانی که بتواند منشاء چنین قوانینی باشد جز در جمهوری دموکراتیک خلق که تنها آلترناتیو تضمین کننده حقوق اساسی خلقهای ایران است امکان پذیر نیست . این مجلس مؤسسان با چنین محتوایی است که توده های ما خواستار آنند . این محتوا هرگز با تشکیل صوری مجلسی بنام مؤسسان نطابق ندارد .

کلیه نیروهای دموکراتیک باید در راه انعقاد و برپائی چنان مجلسی مبارزه کنند . اگرچه در شرایط حاضر ، با وضعی روبرو هستیم که حتی تشکیل صوری مجلس مؤسسان مورد نفی و انکار است ، اما پیداست که خواست ما ، خواست نیروهای انقلابی و دموکراتیک جامعه نباید صرفا متوجه تشکیل صوری مجلس مؤسسان باشد . توده های ما باید محتوای مجلس را در نظر داشته باشند . (تاریخ نگار ۲۳/۳/۵۸)

لیسم تازه نفس آمریکا را به منطقه خاور میانه منجمله ایران مورد تأیید قرار داد و هرگز نتوانست با بارزترین و بزرگترین لانه امپریالیسم یعنی دربار به مبارزه اساسی برخیزد . برآستی روز خلق بد از امپریالیستهای انگلیسی در شرکت سابق نفست روزی است درخشان اما پیش از آن هرچیز باید از نتایج و درسیهای آن برای امروز الهام گرفت . سرنوشت هر قیام و انقلاب دموکراتیک که رهبری آنرا نیروهای تا به آخر انقلابی و طبقه کارگر در دست نداشته باشند ، چیزی جز شکست نیست . اینکه امروز پس از بیروزی مرحله ای خلق در واژگون کردن رژیم شاهنشاهی ، همچنان فریاد زحمتکشان برای قطع کامل نفوذ و تسلط امپریالیستها بلند است ، اینکه توده ها از فدا - کاریهای خود خسته نشده و پیشروی هرچه بیشتر بسوی تحقق اهداف انقلاب را خواستارند ، اینکه توده های محافظه کاری و مقاومت دولت در راه مبارزه با سلطه امپریالیسم معترفیاند ، ... همه و همه نشان دهنده این واقعیت است که بورژوازی قادر به برآوردن خواست های زحمتکشان نیست و تنها با رهبری طبقه کارگر است که این خواست ها تأمین و انقلاب تا به آخر ادامه می یابد .

آنچه مسلم است خلق کرد همانطوریکه با مبارزه بگیر و حلق طلبانه خود ماهیت ارتجاعی و ضد مردمی شورای عسائری را افشا نمودند ، اینبار نیز ماهیت ارتجاعی کنفرانس ۲۰ خرداد را نیز افشا خواهند کرد . (نقل از اعلامیه شورای هماهنگی جمعتهای کردستان)

آزادی (حتم خلق کرد با تحکیم صفوف خود و تأیید دوباره نمایندگان واقعی خویش ، به افشا و طرد توطئه ها و خیانت ها خواهد پرداخت ، اراده ، استوار خلق را به نمایش گذارده و نشان خواهد داد که خلق گله گوسفند نیست که هرکس بخواهد به میل خویش چوپان آن باشد ، بلکه خلق تنها نمایندگان را تأیید میکند که مدافع راستین منافع او بوده و به رای خلق و از میان خلق برخاسته باشد . تنها به قطعه های صحنه میگذارد که با شرکت کرد و نمایندگان واقعی خلق کرد بوجود آمده باشد .

حماد شیبانی را آزاد کنید!

ادامه از صفحه اول لایحه مطبوعات

قابل شده است . بدین ترتیب واضعین آن نشان داده اند که چه درکی از لزوم آزادی " بیان و قلم " دارند ، و تا چه حد به خواست توده های مبارزی که در انقلاب بر علیه دیکتاتوری قیام کرده و همواره به لزوم آزادی در زمینه نشر عقاید پایفشاری کردند ، پای بندند . نویسندگان این لایحه کذائی برای دادن همیمن امتیاز نیز آنچنان شرط و شروط فوق طبقاتی و مبهم نظیر " تقوای سیاسی " و ... قائل شده اند که نشان دهنده هدف آنها برای مانور دادن و خودداری از دادن " امتیاز " به کسانی است که در وجود آنها " خطری " (برای سرمایه داری) احساس میشود

اما پس از گرفتن امتیاز نیز صاحب روزنامه (بایستی حتی چایخانه ای که روزنامه را چاپ میکند !) بایستی در صفحه اول اعلام موافق کند ! تا بدین ترتیب خواست انحصار طلبانه که جامعه طبقاتی ما را به سلیمان و کافسر تقسیم میکند بهتر تأمین شود ، و فریب توده های ناآگاه و بسیج آنان بر علیه روزنامه های متعهد و مسئول و نیروهای چپ آسان تر گردد .

و سپس روزنامه ای که با چنین وضعی درمی آید ، تازه در مواردی نظیر ارتش و فرماندهان ارتشی حقیقت انتقاد و افساگرگی لازمه را ندارد و همواره امکان متهم شدن در این مورد وجود دارد گوئی از زمانی که همین ارتش و همین فرماندهان به عنوان اصلی ترین عامل سرکوب عمل می کردند سالها گذشته است و گوئی فرماندهان وابسته یک شبه تطهیر شده اند که گویای انتقاد ندارند ...

اما واضعین این لایحه یک موضوع سم رافرا موش کرده اند و آن اینکه هیچ سد و مانعی را در مقابل جریان حقیقت یاری مقاومت نیست . و ، هفت عنوان رستم درست کردن نمیتوان از راه یابی حقایق در میان توده های ستم دیده مردم جلوگیری کرد .

خلقهای قهرمان ایران! توده های زحمتکش عرب!

دهقانان، با اتحاد و بزور اسلحه،

جولان فئودالها را درهم می شکند

"جمعیت دفاع از حقوق خلق کرد، سردشت" در این مسورد اعلامیه ای تحت عنوان "در نه لاین چه میگذرد" منتشر ساخته که در زیر می خوانیم:

ما چرا از آنجا آغاز میشویم که اربابهای "مهنگور" پس از نمایش قدرت خود در قهوه خانه "آمید" سازشی که با حزب دمکرات بعمل آوردند تصمیم میگیرند یک قدرت نمایی دیگر در منطقه "نه لاین" و احتمالاً سپس "مهنگور" بهره مالکانه و سوریسات سال جاری رابه شیوه گذشته از دهقانان بگیرند. برای این منظور بین ۷۰-۸۰ نفر نیروی مسلح آماده کرده و گوردش مسلحانه ای را در دهات نه لاین آغاز میکنند. از چند روز قبلاً با استفاده از راه های اختلافات محلی بین اربابها و دهقانان سه روستای "سوستان"، "فالاوان" و "نیوه ژ"، اربابها را تشویق میکنند که در مقابل روستائیان ایستادگی کنند و قول میدهند که در مقابل آنها حمایت کنند. پیرای نمونه در روستای کوچک سوستان که از مدتها قبل بخاطر مرتجع عمومی نه بین ارباب و دهقانان اختلاف وجود داشت ارباب را تشویق میکنند که فشار خود را بر مردم بیشتر کنند تا اینکه حدود ده روز قبل بعد از اینکه بگویم که با روستائیان آنها را با تفنگ شکاری به گلوله مینند و سه نفر را زخمی میسازد. به اینهمه اکتفا نکرده چه کمک دیگر اربابهایی که مرتب با او در تماس بودند و حشگری خود را نسبت به روستائیان روزه روز بیشتر میکنند گوسفندان خود را وارد کشتزارهاشان میکنند. جویهای آبیاری را خراب میکنند. و... تا جائیکه هشت خانوار روستا را ترک میکنند و در دهات اطراف آواره میگردند. بعد از این جریان نیروی مسلح فئودالها به "سوستان" میروند و از آنجا بطرف "فالاوان" حرکت میکنند. در مدت بیست و چهار ساعتی که در "فالاوان" بودند از هرگونه شرارتی خودداری نکردند. اسلحه و نفر را گرفتند. منزل چند روستائی رابه قصد سوزاندن نفت پاشیدند و سپس به "شرط آنکه آدم خوبی باشند" آنها را بخشیدند. خیرین و حشگری هابسرعت در منطقه پچیید همه میدانستند که بعد از "فالاوان" نیت "نیوه ژ" است مردم "نیوه ژ" اطراف ده رانگرنندی کردند و یازده تفنگ موجود در ده تصمیم به مقابله گرفتند. عصر روز ۲۰/۳/۵۸ ۱۲ دهقانان روستاهای "بیلوکه"، "نی زی"، "شیواغان" و "داراباران" و "فالاوان" را با اسلحه و تفنگ برای "نیوه ژ" می فرستادند. در ساعت چهار و نیم بعد از ظهر قبل از اینکه نیروهای کمکی به "نیوه ژ" برسند حمله فئودالهای شرور آغاز میشود و نیوه ژی ها خود قهرمانانه مقاومت میکنند و بالاخره بعد از یکساعت جنگ با رسیدن کمک به "نیوه ژ" اربابها تسلیم میشوند و طی آنکه میزند برنده دسته مسلح خود را از ده عقب کشیده میراکنند و شونده و ضمناً منکر هر نوع ادعای در مورد نکات (بهره مالکانه) میگردند و تعهد میکنند که تسهیلات لازم برای برگرداندن "سوستان" را رانده شده فراهم سازند و بدین ترتیب مقاومت دهقانان آنان را وادار به عقب نشینی مینماید. روستائیان کمکی تا روز بعد از آن نیز برای اطمینان از عقب نشینی اربابها منطقه را ترک نکردند. هم اکنون عده ای از دهقانان ما موریت دارند که "سوستان" را راضی به بازگشت نمایند. اما آنها هنوز به پشتیبانی مردم اطمینان و اعتماد کامل پیدا نکرده اند. هر چند در دست نشان از دهات اطراف مصرانه سعی دارند که آنها را به خانه و کاشانه خود بازگردانند. موضع حزب دمکرات در این جریان چنین بوده است: در ابتدا ای ماجرا حزب با اربابها وارد مذاکره میشود و از آنها خواش میکند که منطقه را شلوغ نکنند و اجازه بدهند که آنها خود مختاری را بگیرند. این نرزش و برخورد چاکرمنشانه حزب دمکرات آنها را بیشتر تشویق میکند. بطوریکه جریان "نیوه ژ" "فالاوان" را پیش آوردند. در جریان برخورد "نیوه ژ" با وجود اینکه حزب دمکرات در "میرآباد" مقدر از وسعای تیراندازی از آنجا براحتی کشیده میشود افراد حزب کوچکترین دخالتی بعمل نیاوردند. حتی در چند مورد با روستائیانیکه قایقهای ارتباطی راحت کنترل خود در آورده بودند تا از رسیدن کمک به اربابها جلوگیری کنند برخورد های خشونت آمیز داشتند و سلاحهای چهار را بایس را که مردم گرفته بودند تا بهتد بد پس گرفته و به اربابان بازگرداندند. مردم "نی زی" و "نیوه ژ" تهدید کرده اند که حزب حقوق ندارد افرادش را از طرف هابفرستد. و در آخر حوادث و وقایع چند روز اخیر روستاهای سردشت را چنین مرور میکنیم:

پس از آنکه انقلاب ایران به همت خلقهای محروم و زورنده ییده خصوصاً روستائیان مبارز نخستین سنگرهای استبداد را درهم شکست فئودالها و همه آنها که منافع خود را در خطر دیدند با...

۱- ارضیات گیری با جناحهای مرتجع محلی، شیوخ و روسای عشایر که از عوامل و ایادی رژیم سابق بودند و تقویت این محافل و جازدن آنها به عنوان نمایندگان خلق عرب از جمله کرمی مزدور کسه از وابستگان رژیم سابق بود و با شیخ عیسی بنی طرف که وابستگی اش به رژیم سابق بر همه مردم محلی آشکار است.

۲- وارونه نشان دادن حقایق و خواستهای بحق خلق عرب و متهم کردن توده های زحمتکش خلق عرب به تجزیه طلبی و مخدوش کردن مرز بین اهداف عناصر تجزیه طلب و خواستهای محقانه توده های زحمتکش عرب و جناحهای مترقی آن از طریق رادیو تلویزیون و تحریک افکار عمومی بر علیه خلق عرب.

۳- کوشش در جهت خلع سلاح خلق عرب از یک طرف و پخش اسلحه و مسلح کردن مردم ناآگاه و بخصوص فارسیای متعصب و اوباشان و لومین ها و تحریک آنان بر علیه جناحهای مترقی خلق عرب.

۴- میلیتاریزه کردن منطقه خوزستان از طریق اعزام گارد جاویدان! و اعزام پاسداران به اصطلاح انقلاب از شهرهای مختلف تهران و دزفول و...

این توطئه ها و اقدامات ضد مردمی بارها از طرف نیروهای مترقی خلق عرب افشاء شده و به دولت موقت درباره تحریکات ژنرال مدنی و عاقب و وحیم آن هشدار داده شده بود. اما علیرغم هشدار های مکرر این نیروها، ژنرال مدنی هم چنان به توطئه چینی و تحریک بر علیه خلق عرب ادامه میداد تا اینکه روز چهارشنبه ۳/۹ نیروهای ارتجاعی به کمک پاسداران به اصطلاح انقلاب و کوماندهوهای ارتش هجوم خود را بسه خلق عرب و از جمله به کانون فرهنگی عرب-خرمشهر شروع میکنند. پاسداران و نیروهای ارتش به دستور ژنرال مدنی در نقاط مختلف عرب نشین شهر بخصوص منطقه گوت شیخ موضع گرفتند و مردم بیگانه را هدف رگبارهای خود قرار دادند. و صدها تن از مردم بیگانه (و به قول خودشان تجزیه طلب) را از زن و پد و کودک و پیر گشته و مجروح و یا دستگیر کردند و در نهایت جنگی ناخواسته را بر خلق زحمتکش عرب تحمیل کردند.

ما ضمن اینکه گشتر و حسیانه خلق عرب را ندیدیم ووم میکنیم و خواستار محاکمه و مجازات مسببین گشتر و حسیانه خلق عرب و در رأس آن ژنرال مدنی هستیم، پشتیبانی کامل خود را از حقوق حقه توده های زحمتکش خلق عرب و رفع ستم ملی از آنان کسه پیوندی ناگسستنی با مبارزه کلیه خلقهای قهرمان ایران در جهت قطع بقایای سلطه و نفوذ امپریالیسم دارد. اعلام میداریم.

ما ضمناً هرگونه ریشات تجزیه طلبانه جناحهای مرتجع محلی را که در خدمت تضعیف مبارزه متحد خلقهای ایران قرار میگیرد شدت محکوم میکنیم. تا بود باد مرتجعین و عوامل وابسته به امپریالیسم! مستحکم با صفوف رزمنده خلقهای ایران در جهت نابودی بقایای ارتجاع و امپریالیسم!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر "کمیته خوزستان"

انقلاب خلقهای قهرمان ایران بساط سلطنت فاسد پهلوی را درهم پیچید و به زباله دانی تاریخ سپرد. حرکت انقلابی خلقهای ما در جهت نابودی تمام نهادها و مظاهر وابستگی به امپریالیسم و بقایای فئودالیسم و کوتاه کردن دست سرمایه داران وابسته و فئودالها و مرتجعین رنگارنگ تا پیروزی کامل ادامه خواهد داشت.

برای حفظ و تحکیم دستاوردهای انقلاب و برای ادامه و استمرار آن، برای پیگیری مبارزه با امپریالیسم، تامین حقوق حقه خلقهای ایران با ایستگی بطور جدی مورد توجه قرار گیرد. ایجاد وحدت و اتحاد مستحکم بین خلقهای ایران که ما من ادامه انقلاب است تنها در پرتو احقاق حقوق از دست رفته خلقها و حاکمیت آنها بر سرنوشت خویشا مکان پذیر است.

بقایای ارتجاع و امپریالیسم همدست با فئودالها و مرتجعین محلی سعی در توطئه و نفاق افکنی در بین صفوف واحد خلقها و منحرف کردن جهت ضد امپریالیستی انقلاب را دارند. تا از این طریق زمینیه مساعی برای برقراری مجدد حاکمیت مطلق خود فراهم سازند. و در این راه چه بهتر که هر روز یکی از خلقهای قهرمان ایران را سرکوب کرده و نیروهایش را به تحلیل بیاورند. این سرکوب اینک منوجه خلسه عربیست.

خلق عرب همانند خلقهای کرد، ترکمن، بلوچ و... در رژیم شاه خاش تحت استثمار و ستم دوگانه سرمایه داران وابسته و فئودالها و روسای عشایر وابسته به رژیم و پایمال شدن حقوق ملی خویش قرار داشتند و به همین جهت بعد از سرنگونی رژیم همدوش با سایر خلقهای تحت ستم در جهت احقاق حقوق خویش به مبارزه شان ادامه دادند.

دولت موقت به اصطلاح انقلابی بنا بر ماهیت سازشکارانه خود و ناتوانی اش در مبارزه بر علیه ارتجاع و امپریالیسم ضعف و ناتوانی خود را در احقاق حقوق حقه خلقها و حتی خدمت خود را با آن نشان داده است. و نتیجه این چنینیستی را ما قبلاً در کردستان و ننده و ترکمن محرا تجربه کردیم کسه حاصلی جز ایجاد تفرقه و شکاف در بین صفوف متحد خلقهای ایران و کشاندن آنها به یک جنگ تحمیلی و ناخواسته نداشت. این بار نیز دولت موقت با اعمال این سیاست نفاق افکنانه نشان داد که نه تنها از برآوردن خواستهای اساسی خلق عرب عاجز است بلکه خود یکی از عوامل مهم ایجاد تفرقه و تشنج در منطقه خوزستان و تحمیل یک جنگ ناخواسته به خلق عرب است.

دولت موقت از همان ابتدا با انتصاب یک ژنرال ارتشی به استانداری خوزستان نشان داد که برنامهمشخصی برای سرکوب خواستهای حق طلبانه عرب دارد. ژنرال مدنی از ابتدای ورود به خوزستان بطور مشخصی تحریکات خود را برای ایجاد تفرقه و نفاق بین خلقهای فارس و عرب و زمینه سازی برای سرکوب خلق عرب را شروع کرد. از جمله این اقدامات:

خلق کرد تجزیه طلبان و همکاری ژاندارمری را با آنان محکوم می کند

۳- تمام گروههای مذکور و مترقی سقز باید مقدمات انتخابات شورای ۱۱ نفری شهرستان سقز را هر چه زودتر تهیه و مبرحله عمل در آورده بعد از آن در پاره کمیت و کیفیت استقرار ژاندارمری در شهر و روستاهای سقز اتخاذ تصمیم خواهد نمود و در مورد شهرداری نیز تصمیم خود را اتخاذ می نماید. بدیهی است تا انتخاب شورای ۱۱ نفری شهرستان مسقولین ژاندارمری و شهر-بانی از هرگونه تصمیمی خودداری نمایند.

۳- هیچ نیروی خارجی به هیچ عنوانی حق مداخله در امور داخله ایران و کردستان عزیز را ندارند. زیرا خود مختاری کردستان ایران مربوط بفرقه های ایران و برادران ایرانی است. دیگر کردهای عراقی باید در عراق خود دنبال خود مختاری کردستان عراق بزنند و نباید بهانه تجزیه طلبی را بدست استثمارگران بدهند.

۴- انحلال کمیسیون پنج نفری انتصابی که در دادگستری مشغول کار شده ماند و باید اعضا با انتخاب واقعی... (متأسفانه ناخوانا بود) (امضای حاضرین در جلسه)

بسم الله الرحمن الرحيم
روز شانزدهم خرداد هزار و سیصد و پنجاه و هشت در فرمانداری سقز نمایندگان "دیه کیه تی جویباران" و شورای انقلاب اسلامی سقز و جمعیت زحمتکش حزب دمکرات کردستان و هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق و شورای هماهنگی روحانیون مناطق سقز و تکاب و دیواندره و شاهیندژ و کمیته انتظامات اسلامی سقز و روسای دادگستری و سایر ادارات دولتی در سقز جلسه ای را تشکیل و در موارد زیر توافق رسیدند:

۱- به محمد صدیق جاف که فعلاً با تفنگچهای خود در منطقه سرشیو (بسطام و داکا) برای مردم منطقه مزاحمت و دردسرفراهم نموده و بیک عنصر ژاندارمری و فئودالها و مرتجعین ضد کرد اسلحه های گروهان بسطام را نصب و ضبط نموده است، اخطار می شود که ظرف ده روز اسلحه خود را به شورای انقلاب سقز تحویل نماید و اگر ژاندارمری با مردم است دست از همکاری با مشارالیه کشیده و ناراضی خود را از اعمال ایشان اعلام نماید.

اهمیت موضوع

ملی کردن بانکها یکی از خواسته های بود که گروههای مترقی مختلف بارها و بارها چه قبل از قیام بهمن ماه و چه پس از آن عنوان کرده بودند. اما چرا اینقدر بر روی ملی کردن بانکها تاکید میشد و چگونه ملی کردنی مورد نظر بود و هنوز نیز هست؟ پاسخ بسه این سه سوال بدون بررسی نقش بانکها در سیستم اقتصادی سرمایه داری غیرممکن است.

بانکها شریان حیاتی اقتصاد یک کشور سرمایه داری است. هیچ معامله و هیچ سرمایه گذاری بزرگی نیست که جای پای بانکها را در آن نبینیم. بانکها که در آغاز پیدایش مواسات کوچکی بودند که کارشان در اکثر اوقات صرفا تسهیل معاملات بود، همزمان با رشد سرمایه داری، روز بروز بیشتر این خلعت خود را از دست دادند و به تدریج به مؤسسات واقعی سرمایه گذاری تبدیل شدند. امروزه با اطلاعاتی که بانکها از جریان معاملات و نقل و انتقال سرمایه ها و خلاصه از جزئی ترین اسرار شرکتها و مؤسسات صنعتی و مالی دارند، برایشان فوق العاده آسان است که بدانند سرمایه گذاری در کدام رشته سودآورتر است تا به آنسو روان شوند. بانکها با جمع آوری ذخیره پولی مردم به شیوه های گوناگون و سرمایه گذاری این مبلغ در رشته های پرسود، بازگرداندن همان پول به مردم بصورت وام بهره های سرسام آور، دریافت کارمزدهای کلان از دولت و مردم برای کارهای بانکی و خلاصه هزاران حقه بسازی دیگر، هر ساله سود هنگفتی میبرند.

بی جهت نیست که امروزه بانکداری یکی از رشته های مورد علاقه سرمایه داران است. از طرف دیگر بانک در کشورهای وابسته ای مثل ایران، نقش دیگری نیز ایفا میکند و آن تبدیل شدن به یکی از پایگاه های عمده امپریالیسم است. گذشته از بانکهای مظلوظ که ماهیت شان آشکارتر است، با توجه اندکی به سایر بانکها، می بینیم که در اکثریت قریب به اتفاق این بانکها، سرمایه های بانکها و شرکت های سرمایه گذاری امپریالیستی، یا درصد عمده سهام را تشکیل میدهد و باینسب نسبتی سرمایه گذاری شده که در حقیقت کنترل این بانکها در دست امپریالیست هاست و به همین دلیل سیاست این بانکها را نیز آنها دیکته میکنند.

این یکی دیگر از نودهای سیاست صدور سرمایه است. از اوایل قرن بیستم که کشورهای امپریالیستی، اضافه بر صدور کالا بطور روزافزونی دست به صدور سرمایه نیز زدند، بانکها نقش تعیین کننده ای در این جریان سودآور برای کشورهای امپریالیستی و نابودکننده برای کشورهای وارد کننده سرمایه داشته اند. بسیاری از به اصطلاح کمک های کشورهای امپریالیستی به کشور های عقب مانده داشته شده از طریق این بانکها سرازیر میشود و نیز وامهایی که این بانکها و شرکتهای مالی به دولت های این کشورها میدهند، فاجعه آمیز است. خلاصه کنیم که ایجاد بانکهای مظلوظ یا سرمایه گذاری در بانکهای کشورهای عقب نگه داشته شده، یکی از شیوه های مهم وابسته کردن هرچه بیشتر کشورهای تحت ستم، به امپریالیست ها است. این قضیه وقتی آشکارتر میشود که توجه کنیم این سرمایه گذار ربا خوارها شامل چه بخشهایی میشود. مثلا در مورد ایران در بانکهای بی مثل بانک عمران صنعتی و معدنی ایران و یا بانک عمران و سرمایه گذاری ایران و بسیاری بانکهای دیگر. آنوقت است که متوجه میشویم، درجه وابستگی ایران به کشورهای امپریالیستی و در راس آن امپریالیسم آمریکا تا چه حد است. تازه امپریالیست ها مثلا از طریق کنترول بانک عمران و سرمایه گذاری ایران، تعداد بسیار زیادی بانک و شرکت دیگر را کنترول میکنند. در مورد سایر بانکها که در ظاهر سرمایه خارجی در آن داخل است، وضع بهتر از این نیست، زیرا با وابستگیهای مستقیم و غیر مستقیم سهامداران این بانکها به امپریالیسم، اوضاع چندان تفاوتی نمیکند. آری با توجه به این مسائل بود که ملی کردن بانکها اینقدر مورد تأکید قرار میگرفت و هنوز نیز مورد تأکید است، اما پاسخ دولت چه بود؟

دولت مانع اصلی ملی شدن

نگاهی به مجامعها نشان میدهد که مقامات مسئول

دولت گاهی گروهها و افرادی را که این خواست را عنوان مینمودند، متهم میکردند که "چوبلای چرخ دولت می گذارند" و بدنبال آن حملات مستقیم و غیرمستقیم. زمانی نیز عنوان میکردند که "تعیین تکلیف مالکیت" "با مجلس موسسان و قانون اساسی" است و این دولت چون موقت است، بنابراین در این باره تصمیمی نگرفته و نخواهد گرفت. به موازات این سخن پراکنیها،

- فشار نودها، نیروهای انقلابی، آیت الله خمینی و شورای انقلاب
- بانکها در خطر ورشکستگی
- دولت زست انقلابی میگیرد
- خائنین کمیته مرکزی حزب توده: بازهم در یوزگی

سیل کمک از جانب بانک مرکزی بسوی بانکها سرازیر میشد تا بلکه این موسساتی که سالیان دراز به چپاول مردم بهشغول بوده اند و یکی از کانهالهای مهم نفوذ امپریالیست هستند، چند صیاحی بیشتر به اربابان خارجی و وابستگان داخلی آنها خدمت نکنند. در واقع وقتی که آقای مولوی یعنی کسی که سالها به اصطلاح نماینده ایران در بازار مشترک اما در حقیقت کارگزار امپریالیسم بوده، به ریاست بانک مرکزی منصوب میشود، انتظار دیگری هم نمیتوان داشت، زیرا این امر خود چه سره بخشی از هیئت دولت را نیز نشان میدهد. حال اینسواء ال پیش میاید که چه عواملی سبب شده که دولت تغییر سیاست دهد و دست به ملی کردن بانکها بزند؟ آیا دولت به یکباره انقلابی شده است؟ به گمان ما پاسخ منفی است. علت تغییر سیاست دولت را باید در جای دیگر جستجو نمود.

فشار نودهای ورهبری برای ملی کردن

این تغییر سیاست را باید اولاد در فشارهای و از طرف طبقات و اقشار مختلف دید. فشاری را که از طرف اقشار مختلف خرده بورژوازی وارد میشود، میتوان در اعمال شورای انقلاب و یا سخن رانیهای آیت الله خمینی دید. شاهد دیگر این فشار تاسیس بانک اسلامی و یا گسترش صندوقهای قرض الحسنه است. در این رابطه وقتی سخنان دکتر بهشتی را در اولین جلسه هیئت موسس بانک اسلامی بخاطر بیارویم که از سستی دولت در امور بانکها علنا انتقاد میکند و یا این گفته او که: پس از تاسیس بانک اسلامی از مراجع تقلید خواهد خواست که مردم را به انتقال وجوه خود به بانک اسلامی و همکاری وسیع با آن دعوت کنند، آنوقت اهمیت این فشار درک خواهد شد. از طرف دیگر فشاری که قشر فقیر خرده بورژوازی که رادیکال تر از دیگر اقشار آن است و مثلا از طریق سازمان مجاهدین خلق بیان میشود، به فشار بالا افزوده شود، اهمیت این مسئله روشن تر میشود. از طرف دیگر درخواست ملی کردن بانکها که از طسرف طبقه کارگر و دهقانان و نیز نیروهای وابسته به آنها بیان میشود، باید مورد توجه قرار گیرد. اما گرچه این خواست از طرف کارگران و دهقانان به شکلهای گوناگون، اما با قاطعیت و پافشاری بیشتر دنبال می گردد، لیکن بدلیل مجموعه شرایط موجود فشار وارد از طرف خرده بورژوازی فعلا عملکرد بیشتری دارد.

بانکها در خطر

ولی این سکه روی دیگری نیز دارد و آن بخاطر افتادن منافع سرشار بانکهاست. خطری که از یکسو در ارتباط با پتانسیل انقلابی جامعه و فشارهای یاد شده است و از طرف دیگر با توجه به رکود اقتصادی کشور که سودآوری بانکها را کاهش میدهد (گرچه به قدر کمی رساند) و همچنین در رابطه با اوضاع بی ثبات ایران که احتمال تمامی خطرات برای بانکها وابسته، هنوز از بین نرفته است.

پس با پدیده ملی اندیشیده میندک زیکسومنا فح اربابان امپریالیست و وابستگان داخل حفظ خود را از جانی دیگر دولت با حفظ قیام فدا انقلابی، دعسواهی قدرت بنا

بورژوازی، بتواند هر چه بیشتر قدرت را قبضه کند حال ببینیم چه راه حلی اتخاذ میشود. اینسبب شکت و وارو را در قانون ملی شدن بانکها میبینیم. ماده ۱۱ این قانون میگوید: برای حفظ حقوق و سرمایه ملی و بکار انداختن چرخهای تولیدی کشور و تضمین سپرده ها و پس اندازهای مردم در بانکها، ضمن قبول اصل مالکیت مشروع مشروط و... (تاکید از ماست)

بازهم در باره ملی کردن بانکها

آری تمام این چشمبندیها بخاطر همین است: قبول اصل مالکیت، و اینجاست که ضربان قلب بورژوازی تند میشود. گویی همین بانکها نبوده اند که با غارت ثروت این کشور صاحب سرمایه و مالکیتی شده اند که بورژوازی برای سینه چاک میدهد. با مراجعه کوتاهی بسه ترازنامه منتشره از سوی بانکها (بگذریم از اینکه حتی در انتشار ترازنامه هم قدر تقلب شده است) به سادگی معلوم میشود که این سرمایه و مالکیت در واقع از آن خلق است. سرمایه ای که با غارت مردم این کشور هر روز زیادتر شده است و اینک دولت انقلابی قبل از هر چیز بطور ضمنی تاکید میکند که اولاً این مالکیت مشروع است و ثانیاً آنرا قبول دارد. بسرای اینکه محکم کاری هم کرده باشد و ماهیت این مالکیت را پنهان نکند، آنرا اسلامی جلوه داده و سعی در تطهیر آن میکند، آنهم وقتی که آیت الله خمینی در صحبتها می که برای هیئت موسس بانک اسلامی در قم میکند، سرمایه حاصله از ربا را نامشروع مینامد. اینرا میگویند یک بام و دو هوا. و اینجاست که دولت از طرح مسائل پیشین طفره میبرد. البته این طفره رفتن دنباله دار است، زیرا در اعلامیه دولت از همه چیز صحبت میشود مگر نحوه ملی کردن و خیلی آگاهانه از کنار مسئله میگذرد. زیرا همین جاست که پوچی تمام ادعاها در مورد ریشه کن کردن امپریالیسم و وابستگانش برملا میشود. چون با توجه به ماهیت دولت از هم اکنون میتوان پیش بینی کرد که چگونه ملی کردنی در مخیله آنهاست.

آنها قبل از هر چه چیر با پنهان شدن در پشت سر سهامداران کوچک، سعی در تطهیر سهامداران بزرگ و شرکای آنها دارند. بنابراین ملی کردن در نظریات ان عبارت خواهد بود از: پرداخت غرامت و یا باز خرید سهام بانکها. یعنی در واقع دستخوش به غارتگران بابت سالها چپاول! برای توضیح بیشتر به این خنجر نگاه کنید:

"... از سوی دیگر در محافل اقتصادی (بخوان زبان غیر رسمی دولت) گفته شد در اجراء برنامه ملی شدن بانکهای خصوصی، چون تعدادی از بانکها، بخشی از سهامشان در اختیار سرمایه گذاران خارجی قرار دارد، پیش بینی میشود در مورد این قبیل بانکها سهام سهامداران خارجی از سوی دولت خریداری شود... و یا به همین صورت فعلی و بطور مختلط اداره شود". (آیندگان، شنبه ۱۹ خرداد ۵۸ صفحه ۱۲)

فکر میکنیم همین خبر خود بیانگر قسمت عمده ای از قضیه است. اما نمایش که بدون هیجان لطفی ندارد، پس به این خبر نگاه کنید:

"یک مقام اقتصادی که نخواست نامش چاپ شود گفت: از طرح ملی شدن بانکها غافلگیر شدم و تعجب میکنم چرا دولت بدون مقدمه دست به چنین کاری زد. این مقام اشاره کرد که بوی تو خست وزیر پاکستان بانکها را ملی اعلام کرد ولی بعد پشیمان شد و چون نتوانست بانکها را اداره کند، تصمیم گرفت مجدداً به صاحبان اولیه اش برگرداند، اما با جواب منفی روبرو شد". (آیندگان، همان شماره و صفحه)

نتایج این نوع ملی کردن

حالا ببینیم نتیجه این نوع ملی کردن چیست. از یکطرف نجات بانکهای خصوصی که "وضع نامساعد

آقای ربانی! واقعیت اینهاست، نه آنچه شما گفتید

چند ماه از غارت روستا ثیان ارومیه گذشت و با لاجرم در تاریخ ۳۰ اردیبهشت ۵۸، نما بنده اما معنی آقای ربانی شیرازی ما مور رسیدگی با مود استان آذربایجان غربی گردید. وی وقتی به ارومیه رسید، دهقانان نژاد اورفتند و در دستان را مطرح نمودند. عدای از اربان غارتگر را جمله حاجی سامی، قلی بک، خورشیدی بک نیز در آنجا حضور داشتند. اربان با نه آیت الله میگفتند که روستا ثیان همه ساواکی و عمال رژیمند، عناصر کمونیست در بین روستا ثیان هستند و روستا ثیان از این حرف مات و منبوت و شکست بهمان مانده بودند. یکی از روستا ثیان بنام نایب سوداگر که اربانی بنام حاجی سامی اموالش را بغارت برده، زمینهایش را شخم زده و کاشته و تفنگش را هم گرفته بود علاوه بر اینها تمام دارائی وی پول بدوش را غصب کرده و او را تحت شکنجه هم قرار داده بود و مدت ۲۸ روز او را در زندان انداخته (ارباب خودش زندان دارد!) و دست آخر با دستگاهی که اسب را اخته میکند، او را اخته کرده بود و خانهاش را ویران نموده، جوب بست خانهاش را جلو چشمش در بخاری سوزانده بود، به آیت الله در دوش را گفتم در حالیکه ارباب یعنی حاجی سامی نیز حضور داشت. اما چه جوابی به او داده شد و حاجی سامی چه گفتند؟! بعد از این جلسه ارباب همراه اسکورشیای سلسله سوارا تومبیل آخرین سیستم به کاخ رفت، در حالیکه روستا ثیان انتظار داشتند که در همانجا اربانان کت بسته تسلیم عدالت شوند و این کار هم در قدرت نماینده امام و کمیته امام ارومیه بود.

در این جلسه اربانان مخالفت خود را با ایجاد نگاه زاندا رمری اعلام کردند. آقای ربانی نیز چیزی نگفت و بالاخره آقای ربانی به روستا ثیان گفت که این مسائل چندان مهم نیست، در ضمن کمونیستها شما را تحریک کرده اند (تکرار حرف فتوایها) ... درجائی دیگر آقای ربانی اظهار نظر کرد: " در ایران ما ارباب و سرما به دارنداریم ...! (بقتل از جزوه " مبارزات دهقانی دز ارومیه ")

ادامه از صفحه اول گزارش از زده...
خانواده و چند نفر دیگر که هیچکدام از این بلا مصون نمانده بودند، کس دیگری در ده نبود. اعضای خانواده حسن منند که نفریندهمگی به نحوی آسیب دیده یا مریض شده بودند. از منازل روستا چند تائی سالم مانده بود که آنها هم بصورت متروکه در آمده بودند. تمام درختهای اطراف خانه ها شکسته و سوخته شده بود. منبج درآمد اهالی این روستا قسمت بسیار ناچیزی از راه کشا ورزی و قسمتی دام پروری است. برخی به کار قاچاق هم میپردازند. در حوالی این روستا پایگاههای نیروهای انقلابی که علیه رژیم عراق مبارزه میکنند وجود دارد. یکی از مبارزان پیشمرگ که در آنجا با او به گفتگو نشستیم و خود ناظر جریان مبارزان بوده اظهار می نمود که چهار جت " ساخو " هشت بمبار کرده اند که سه چهار تائی آن را روی ده انداختند. چهاره های برتا شده از اندازه های کوچک و بزرگ بوده اند ضمناً در برخی نقاط با شصت تیر و راکت نیز تیراندازی کرده بودند که صدمه هائی وارد کرده بود، زخمی شدن یک روستائی که مشغول شخم زدن در روستای نوکان بوده و یکی دیگر در کانی زرد از این طریق بوده است.

بطور کلی تعداد بمبهای رها شده در نقاط مختلف و صدمات وارده طبق جدول زیر بوده است:

اسم محل	تعداد بمبهای رها شده	تلفات و خسارات
مساوان سالاره	۱ بمب	۱ گاو کشته شده
گوره شیر	۴ بمب در ده، ۴ بمب در منطقه	۱ نفر زخمی، ۵ کشته و ۲ زخمی، ۴ گاو و ۱ اسب، دهکده ویران
کانی زرد	۵ بمب	۱ زخمی ایران، ۱ زخمی عراقی
در قاسم ش	۱ بمب	۱ زخمی
توزل	۲ بمب	۱ زخمی
هلیشه	۴ بمب	۱ نفر زخمی

دهقانان با اتحاد...
ادامه از صفحه ۳
اتحاد نامقدسی که نتیجه سهل انگاریهای عدلی دولت است وقت بود با همکاری نیروهای ارتجاعی فرصت طلب فرصتی یافتند که بساط ظلم و ستم را از رو چینه انداختند و آنچنان اعمال ضد انسانی دست زدند که منجر شد به در آنها مورد جنک تحلیلی پارگی، ناامنی های شدید و ...

و اینک میبینیم که دیگر نامها و فتوایهای پر فریب احزاب و گروههایی که با ماهیت نهایتاً ارتجاعی و ضد مردمی خود سعی در فریب افکار عمومی داشته اند و در بیشتر موارد تحت

پوششهای ملی و مذهبی قدرت را در دستهای خود قبضه کرده اند خواه ناخواه روزی شکل گرفته و کارشان را می نمایانند و آنوقت مردم میدانند که با چنین جریاناتی چگونه باید برخورد کنند همانگونه که در روستاهای سردشت دیدیم.

پیش به سوی تشکیل اتحادیه های دهقانی ناپود باد اتحادیه های عشایری عاملان سرکوب دهقانان پیروز باد مبارزات برحق دهقانان در راه احقاق حقوق ملی و طبقاتی

ادامه از صفحه آخر **نتایج قیام...**
خرده بورژوازی راست / جرفه سنتی (بورژوازی کمبرادور در ماشین دولتی بوجود آوردند.
از این رو این تحول سیاسی، تا آنجا که مربوط به قدرت دولتی و دست به دست شدن ماشین دولتی می گردد، نه بر پایه نابودی کامل نظام سیاسی کهن و استقرار قدرت دولتی انقلابی و نظم نوین برخورداره های نظام است، بلکه با تغییر در قدرت دولتی در چهارچوب سیستم وابستگی عملی گردید.

پیشکش خرده بورژوازی به بورژوازی لیبرال
خرده بورژوازی از همان زمان که مسئله تصرف قدرت سیاسی، و قرار گرفتن در راس آن به امر انقلاب بدل گشت، پیوسته به تحریک بورژوازی لیبرال، غرایز بورژوازی، محافظه کاری و تزلزل طبقاتی اش برانگیخته میشد و اگرچه در جریان قیام ارگانهای انقلابی خاص می خود (کمیته ها) را به وجود آورد ولی وقتیکه در موضع قدرت سیاسی قرار گرفت، عملاً نتوانی، ناپی گیری طبقاتی و بی برنامگی سیاسی خود را بطور آشکار و روشنی به نمایش گذاشت و زمانیکه در کشاکش این ضعف و ناتوانی، فاقد یک تکلیف گاه سیاسی - تشکیلاتی پرولتاریائی در صحنه سیاسی بود، بناچار به بورژوازی و سیاست و خط مشی و برنامه او روی آورد و راه را برای دستیابی او به قدرت دولتی هموار کرد و به عبارت دیگر ارگان دولتی را، حاضر و آماده و پیش از آنکه خود متصرف شود، بطور عمده در اختیار بورژوازی لیبرال قرار داد و بدین ترتیب دست به آن چیزی که امپریالیسم نیز پس از تمام شکستها و عقب نشینتیا برای به تحقق رسانیدن آن تلاش بسیار ورزیده بود، جامعه عملی پوشاند و با چنین توصیفی بورژوازی لیبرال که در حاشیه قیام حریمانه در انتظار بود تا

زبان باری" (نقل از سخنان نخست وزیر) پیدا کرده اند، آنهم چگونه؟ به خرج مردم دستکشیده، یعنی از بول دولت. از سوی دیگر دادن این مکان به امپریالیست ها و وابستگان نشان که با باقیمانده بولهای خود را که هنوز از ایران خارج کرده اند، خارج کشند و یا آنرا به بخشهای سود آوری منتقل کنند. اما هنوز یک جانب قضیه مانده است. آنهم تبلیغات با بوق و کرنا برای دولت و هوادارانش که هم اکنون نیز آغاز شده است و جازدن این دولت، به عنوان انقلابی و در همین رابطه حمله به گروههای مترقی که از دولت به خاطر محافظه کاری و سازش انتقاد میکنند و در عین حال ماست مالی کردن مسئله مجلس و سان و قانون اساسی. اما نکته جالب تر پیدا شدن فرصتی است هم برای رویزیونیستهای خائن کمیته مرکزی حزب توده و هم برای دیگران تا با تأیید این اقدام انقلابی! پرده ای بر دریوزگی خویش بکشند و گامی فراتر در تحمیل توده ها بردارند. همین جا بگوئیم که تأیید این اقدام توسط برخی گروههای مترقی از سرشتی جداگانه است، زیرا که به احتمال بسیار، آنها به ملی کردن از نوع دیگری اندیشند.

ما چه می گوئیم؟
اما ما چه می گوئیم؟ ما میبوسیم، مگر نسبه اینست که سرما به های این بانکها حاصل غارت کشور ما است؟ مگر نه اینست که این بانکها اکنون دهها برابر سرمایه اولیه خود سود برده اند که آنها را یا به خارج منتقل کرده و یا در جاهای دیگر سرمایه گذاری کرده اند؟ و مگر افزایش سرمایه اینان از سودهای نیست که شبیه آنرا جز در کشورهای وابسته ای مثل ما به خواب هم نمی بینند؟ تازه از سوی دیگر کسانی که مسئله مالکیت مشروع و مشروط را پیش میکشند، مگر فراموش کرده اند که رویش قارج مانند این بانکها و نیز استحکام و افزایش سرمایه آنها در دوران رژیم پیشین بوده است؟ رژیم که در سربردگی آن به امپریالیسم هیچگونه شک و شبهه ای نیست. پس این چگونه مالکیت مشروعی است که باید حفظ شود؟! پس دیگر غرامت برای چه؟ باز خرید سهام کدامست؟

ما به ملی کردن تمام سرمایه و دارائی بانکها بدون پرداخت غرامت به هر شکلی، معتقد بوده و بران یافتاری میکنیم. البته همین جا تذکر دهیم که میان سپاهمداران کوچک و بزرگ تفاوت قابل هستیم. شک نیست که باید سهام این افراد باز خرید شود تا از ملی شدن بانکها زیانی نبینند و باز هم شکی نیست که سپرده های اشخاص باید محفوظ بماند. اما ایمن محفوظ ماندن هم نباید شامل امپریالیستها و وابستگان نشان باشد. اگر غیر از این باشد، مثل اینست که دوبار این مردم را غارت کرده باشند، بار اول از طریق عملیات خود بانکها و بار دوم بطور غیر مستقیم از طریق پرداخت غرامت و یا باز خرید سهام بانکها توسط دولت.

حال ببینیم پس از این چنین عملی کردن که مورد نظر ماست، چگونه باید کار را دنبال کرد. مسوارد مورد نظر ما عبارتند از:

الف - ادغام کلیه بانکها و تشکیل یک بانک دولتی سرتاسری.

ب - اخراج کلیه کارشناسان و مدیران خارجی بانکها.

پ - سپردن مدیریت این بانک دولتی به شورای منتخب کارکنان بانکها.

ت - یکسان نمودن حقوق کارکنان بانکها، بر اساس افزایش حقوق کارکنان کم درآمد.

ث - بخشودگی وام های زمکنشان (اعم از کارگران، دهقانان، کسبه خرده پا و مثالهم)

ج - هدایت سرمایه گذاری این بانک در جهت ایجاد صنایع مادر و تاسیسات زیر بنایی کشاورزی.

آری تنها با این اقدامات است که میتوان ملی کردن بانکها را عملی انقلابی ارزیابی نمود. بشتوانه چنین اقدامی توده های میلیونی زمکنشان جامعه خواهد بود که هر مخالف خوانی و هر سدی را در مقابل اینکار در هم خواهند شکست و تنها آنوقت است که می توان گفت یکی از کانالهای نفوذ امپریالیسم را ویران کرده ایم. لزوم ملی شدن بانکها، بار دیگر تأکید است بر صحت نظر گروههای مترقی درباره لزوم ملی شدن صنایع وابسته، گرچه مسیر کلی دولت خلاف هردوی اینها را نشان میدهد.

میوه قیام خونین خلق را بچیند و دولت حاضر و آماده ای را با هزار نیرنگ و فریب متصرف شود، متصرف شد.

مشروطه طلبان دیروز و جمهوری خواهان امروز
اکنون این دولت، دولت مشروطه طلبان دیروز و " جمهوری خواهان " امروز است که به فرمان رهبری بیر مستند قدرت نشسته است. و علیرغم جمله بافیهای انقلابی و مجیزگوئی انقلاب در پی آنست تا ماشین دولتی گذشته را حتی الامکان با اصلاحات کمتری ترمیم و با سازی نماید و جیره خواران عناصر مزدور نظام گذشته را بکار گیرد. و در مقامهای دولتی بگمارد.

حکومت موقت از همان آغاز تولد، با تلاش فراوان کوشید تا از اقدام و ابتکار انقلابی توده ها و تصرف قدرت از بائین توسط آنان، که یگانه فاسن حفظ و توسعه دست آوردهای انقلاب است، مانع کند و در طی این مدت بهر وسیله ای در این راه دست زده است.

او از بکار بردن ارش در سرکوب توده های خلق هیچ ابائی ندارد (نمونه های بارز، سندج و ترکمن صحرا و نغده و ...) از پاسخ گوئی به اساسی ترین و مبرمترین مسائل انقلاب: مسئله ارضی، مسئله ملی و خلقها، مسئله ملی کردن (واقعی نه از نوع اخیر) مؤسات مالی و تولیدی، اخای اقتصاد ملی و ایجاد ارتش مزدور آمریکائی و ایجاد ارتش مسلح خلق و تامین دمکراسی توده ای و ... عاجز و ناتوان است و به نمایندگی از طبقات دارا در هرگام از پیشرفت و تداوم انقلاب قد بر می افرازد و در برابر خواست توده ها و خلقها قرار میگیرد. و از تمامی ابزار قدرت در جهت جلوگیری از تحقق این خواستها بیساری میجویسد.

ادامه دارد

۵۸/۳/۱۹

پرطنین توباد فریاد کارگران ایران تومینال "خوشه شاهر"

کارگران شرکت "ایران ترمینال" امرتخلیه اسکله و بندر خمشر و انتقال "بارها" بنا برها و محوطه خارج از اسکله را با نجام میرسانند...

کارگران تحت این شرایط سخت و طاقت فرسا، کاری را انجام میدهند که سودهنگفت آن بیجیب سرمایه داران زالسو صفت وابسته با میریالیسم...

رسمیت سندیکا ساخته بود. کارگران پس از طی مراحل عادی مبارزه خودمذاکره با مقامات مسئول از مدیرعامل شرکت...

امروز کارگران میهن ما ونما بندگان و حامیان آنها در وضع بفرنجی بسر میروند. آنها که دیروز با اعتصابات سراسری خود در کارخانه ها و شرکتها...

دستگیری سه تن از مبارزین صنعت نفت، محمدجواد حاتمی، شیرمعلی و ناصر حاتمی، ادامه منطقی سیاست ضدکارگری و ضددمکراسی دولت بورژوازی وهمدستان وی میباشد...

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

- ۱- دفتر سیاسی "طرفداران طبقه کارگر" مسجد سلیمان، گزارشی از مبارزات کارگران بیکار شرکت آستوم... ۲- همچنین کارگران شرکت "سدلار" در روز ۵۸/۳/۲ برای رسیدن به حقوق عادلانه خود...

کارگران آکام: صنایع را ملی کنید

کارگران شرکت آکام از تاریخ ۵۸/۳/۱۹ تحصن کرده و اعلام کرده اند که "ما کارکنان گروه صنایع ساختمانی آکام به منظور بول تحصن نکرده...

- ۱- استقلال تاسیسات آکام و خارج شدن آن از بوج شرکت زمینه و کوتاه کردن دست وابسته های شرکت زمینه از آکام. ۲- واگذاری کلیه قراردادها فیکه شرکت زمینه از طرف آکامها...

بسم الله الرحمن الرحيم جناب آقای مهندس سمرهدی، بازرگان نخست وزیر دولت موقت جمهوری اسلامی ایران بر هیچکس پوشیده نیست که ستون اصلی مبارزات قهرمانانه خلق ایران را کارگران تشکیلات میدانند...

۵ - جلوگیری از اخراج کارگران و بازگشت کارگران اخراجی به سرکار .

در ضمن کارگران برخی از کوره ها لغو نظام وحشیانه کنتراتی و نظارت در فروش و تولید را خواستار گردیده اند .

نماینده کارگران کارگران علیرغم دوندگی های فراوان و آمدورفت به تهران ، نمی توانند به همه خواست های خود برسند . خواست هایی را نیز که در مورد آنها با وزارت کار و کارفرمایان به توافق رسیده بودند ، عملاً بر روی کاغذ می ماند . وزارت کار (تهران) طبق معمول اعتصاب کارگران را "فقد انقلا بی" می نامد و تنها با پرداخت ۲٪

اما مبارزه همچنان ادامه دارد ♦♦♦

بیست سال از قیام کارگران کوره پزخانه های تهران می گذرد . بیست سال از روزهایی که خون این زجر دیدگان بر زمین ریخت میگذرد ... اما مبارزه برای رسیدن به حداقل زندگی ، برای بهبود شرایط کار ، برای رسیدن به حداقل خواسته های خود همچنان ادامه دارد . در این مدت مبارزات بسیاری از جانب کارگران کوره پزخانه ها صورت گرفته و کارگران شجاع و فراوانی اندوخته اند . جنگ با سرمایه داران ، برای کسب حقوق عادلانه ، شرکت در مبارزه بر علیه رژیم شاه خائن ، چیزهای بسیاری به آنها یاد داده است . و آنها را در شناخت سیستم سرمایه داری عمیق تر ساخته است .

کارگران کوره پزخانه ها به دلیل مجموعه شرایط حاکم بر آنها جزو آن بخش از کارگران هستند که هنوز حتی برخی درخواستهایشان نظیر ۸ ساعت کار و ... در چهارجوب قانون کار ضد کارگری قبلی است . اما انقلاب ، آگاهی بخش است ، انقلاب توده های عقب مانده زحمتکش را نیز بیدار میکند و به آنها درسهای زیادی می آموزد . به همین لحاظ امروز ما شاهدیم که کارگران کوره پزخانه در صحن تلاش برای رسیدن به خواستهای پیش پا افتاده ، اراده خود را برای اداره کردن کوره ها از طریق "شورا های کارگری" ابراز میکنند . در زیره نمونه گویایی از مبارزات کارگران کوره پزخانه ها اشاره میکنیم :

مبارزات کارگران کوره پزخانه های آمل در اردیبهشت و خرداد ماه

پس از مدتها اعتراض و اعتصابات پراکنده و بی نتیجه کارگران (کوره پزخانه آمل تصمیم به اعتصاب سرتاسری می گیرند . در جریان این مبارزه آنها چه بصورت جداگانه و چه بصورت یکپارچه خواسته های برحق خود را اعلام کرده اند که بطور محوری عبارتست از :

- ۱ - اجرای برخی مفاد همان قانون کار کدائی قبلی (نظیر ۸ ساعت کار و سرورس و ...) .
- ۲ - تهیه وسائل ایمنی با توجه به محیط بسیار کثیف و گرد و غبار آلود کوره ها .

آن را ندارند . از طرف دیگر وقتی کارگران ، سند یکا تشکیل می دهند ، می توانند خواسته های خود را بطرز عادلانه ای که حقوق تمام کارگران را در نظر بگیرد تنظیم کنند . بعنوان مثال بعضی از کارگران ، از روی ناآگاهی در مراجعه به شرکت های خود تقاضای وام می کنند . در صورتیکه این حق کارگران است که در دوران بیکاری ، حق بیکاری دریافت کنند ، چرا که آنها در دوران کار در کارخانه و شرکت چندین برابر پولی را که بعنوان دستمزد دریافت کرده اند ، به جیب سرمایه دار ریخته اند و حالا کارفرما باید که پول دوران بیکاری را بلا عوض و بعنوان حق بیکاری به کارگران مسترد دارد . آری ، دوستان کارگر : چاره پایان دادن به بیکاری و گرفتن حق خود این نیست که جدا از هم و پراکنده دست به مبارزه بزنیم . در این حالت کسی به حرف ما گوش نخواهد کرد و علاوه بر این نیرویمان کم بوده و سرمایه دار در مقابل ما مقاومت خواهد نمود . علاج کار در این است که مشکل شده و دست بدست هم بدهیم . در نظر بگیرید اگر کارگران بیکار تهران دور هم جمع شوند و سندیکا ی کارگران بیکار را بسازند ، چه نیروی عظیمی خواهند شد . " چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است " ، این حرف بدرستی چاره کارگران و کلیه رنجبران است . بکوشیم تا متحد شویم و در صفوف واحد و یکپارچه برای گرفتن حقوق خود مبارزه کنیم .

هموطنان مبارز!
کمک های مالی خود را به حساب جاری شماره ۵۸۷ بانک صادرات ایران - تهران شعبه ۱۳۲۹ خیابان کارگر (امیر) - آباد جنوبی سابق) واریز نمایید .

دستمزد موافقت می کند ولی کارگران جز در سه کارخانه از گرفتن این اضافه دستمزد خودداری کرده و مبارزه را تا گرفتن مجموعه درخواست های خود ادامه می دهند و در عین حال آنها با استدلالی که از متن زندگی سرچشمه می گیرد ثابت می کنند که چه کسی تولید را می خواباند ...

- " در زیر کارهای طاقت فرسا به استخوانهای بی رمقی تبدیل شده ایم "
- در جریان اعتصاب کارگران برای روشن کردن ذهن مردم آمل اعلامیه ای صادر می کنند ، که قسمت هایی از آن را در اینجا می آوریم :

حرف ما کارگران این است که باید حق ما داده شود چیز زیادی هم نمی خواهیم . توقع زیادی هم نداریم . آنچه که ما می خواهیم خواسته های صنفی است که حتی قانون کار محمد رضاشاهی هم آنرا تأیید کرده بود و حق کارگران می دانست .

۲ - ما کارگران ابتدا بصورت مسالمت آمیز خواسته هایمان را به کارفرمایان گفتیم ولی آنها به بهانه های مختلف از زیرش در رفتند . برای همین وقتی دیدیم که کارفرمایان نه تنها کار نمی کنند بلکه سعی می کنند که مشترکا بساری کارگران توطئه بچینند ، تصمیم گرفتیم که قدرت و اتحاد خود را نشان بدهیم و با اعتصاب و تحصن در اداره کار بحسب صنفی خود برسیم .

۳ - برادران زحمتکش ، بدانید که خواسته های ما از طرف رئیس اداره کار و مقام فرمانداری آمل تأیید شده و آنرا قانونی و حق مسلم کارگران تشخیص داده اند اما باز هم کارفرمایان حاضر بقبول آن نیستند .

۴ - ما امیدواریم که با شرح مختصری که دادیم همشهریهایی کارگر و زحمتکش ما دریافته باشند که ما نه ضد انقلابیم و نه چیز دیگری ؛ ما کارگرانی هستیم که انقلاب کردیم و ما کارگرانی هستیم که همه وسائل زندگی از کوچک تا بزرگ آن را می سازیم .

همشهریان غیور اگر چه ما کارگران مهلت تعیین نموده و گفتیم چنانچه تا آن مدت خواسته های ما جواب ندهند خود تولید و فروش آجر را بدست میگیریم و این وضع موقتی هم بزودی بر طرف می شود ولی از شما نیز انتظار حمایت و همکاری داریم . حداقل از شما توقع داریم تا از خواسته های ما حمایت کنید و هیچ شایعه پراکنش و دروغبویان ضد کارگر را باز نکند و آنها را افضلا نماند .

با امید پیروزی
نماینده گان منتخب کارگران کوره پزخانه های آمل
۱۳۵۸ / ۲ / ۱۶

کارگران پس از این اعتصاب نیز هنوز (حدود نیمه خرداد) سرگردان بوده و نتوانسته اند به حقوق عادلانه شان برسند ، در این رابطه کارگران اعلامیه ای منتشر کرده و تصمیم خود را به دست گرفتن تولید توسط شورا های کارگری اعلام می دارند . متن اعلامیه بدین شرح است :

کارگران کوره پزخانه ها تولید را در دست میگیرند

اجناس بطرز سرسام آوری بالا میروند ولی مزد ما را ، تاجانمان را بلب : رسانند حتی یک شاهی بالا نمیبرند ، تازه جالب اینجاست که به بهانه دروغین اضافه دستمزد کارگران کوره پزخانه ها ، بیکاره قیمت آجر را هزاری ۸۰ تا ۱۰۰ تومان بالا بردند . ما به این آقایان دیگر اجازه نمیدهم که با اضافه کردن قیمت آجر سترخ برادران کارگروه همشهریانمان را بالا بکشند .

ما کارگران کوره پزخانه های آمل که مدت زیادی است توسط کارفرما هاسرگردان شد ما هم و از هیچ طریقی موفق به گرفتن حقوق مسلم خود نشد ما هم ، اعلام میداریم جهت درهم شکستن توطئه های کارفرمایان و رسیدن به خواسته هایمان و همچنین کاهش بهای آجر بهای آجر به قیمت عادلانه از روز شنبه ۱۹ خرداد تولید را مستقیماً توسط شورا های کارگری در دست خواهیم گرفت و تا روشن شدن اوضاع به تولید ادامه داده خود امان حمایت بید ریخ شما مردم غیور و آگاه آمل هستیم . در ضمن از همشهریان شریف و خریداران زحمتکش آجر تقاضا داریم برای خرید آجر دیگریه دفترهای فروش آجر ر شهربه کارفرمایان رجوع نکنند بلکه مستقیماً آجر را در سرکوره از شورا های کارگری خریداری نمایند .

برای آنکه حقوق پایمال شده خود را پس بگیریم برای آنکه از زورگویی کارفرما ها جلوگیری کنیم برای آنکه آجر خریداران زحمتکش آجر حمایت کنیم پیشین بسوی بدست گرفتن تولید در کوره پزخانه های آمل (نماینده گان منتخب کارگران کوره پزخانه های آمل)

بنام خدا سخنی بامردم مبارز و آگاه آمل

مردم مبارز آمل : خیر مربوط به اعتصاب و تحصن ما کارگران کوره پزخانه ها را همگان شنیده اید . همچنین خیر دارند که بعلت کمبود آجر در بازار کارهای ساختمانی هم گساده شده است و نیز فروش مصالح ساختمانی از قبیل عوام ، سیمان ، آهک ، ... روتی زیادی ندارند اما در این بین عوامل کارفرمایان و عناصر مزدور و کوش میکنند که با شایعه پراکنی و دروغوئیها افکار مردم مبارز آمل را بر علیه ما آشفته کنند . این عناصر توطئه گر میخواهند مردم بگویند که اینها (یعنی کارگران) افراد ضد انقلاب و تحریک شده و ... هستند . میخواهند بگویند که علت بیکاری و کساد بازار مصالح ساختمانی ، اعتصاب کارگران کوره پزخانه های ما باشد . تا از این طریق ما کارگران را تحت فشار بگذارند و نگذارند کسه حقوق طبیعی و قانونی خود را بدست آوریم .

مردم آگاه آمل :

۱ - ما کارگران کوره پزخانه ها برادران شما کارگران و مردم زحمتکش هستیم و مثل شما از سیدیه صبح تا سیهایی شب جان می کسیم . جایی که ما کار می کنیم از گرمای آفتاب و از آتش سوزان کوره ها از جهنم هم بدتر است . محیط کار ما که از گرد و غبار و دود ... پر شده نفس کشیدن را هم برای ما دشوار می کند . در زیر کارهای طاقت فرسا و کی و جوانی و نیرو و انرژی خود را از دست دادیم و به استخوانهای بی رمقی تبدیل شده ایم . دستهای ما پینه بسته است . خلاصه اینکه نه آب داریم ، نه بهداشت داریم ، نه لباس کار داریم ، نه سرورس داریم ، نه غذا خوری ، حمای . از همه اینها گذشته مزدی هم که بابت آن ن کنند خود می گیریم ، بزمحت کفاف خرج زن و بچه ها و زندگی ما می شود . در عوض کارفرمایان (سرمایه داران) از حاصل کار ما ثروتها بجیب می زنند و بقیمت خانه خرابی ما خانه ها درست می کنند و به بهای بیچارگی ما بهترین زندگی و رفاه و راحتی را برای خود و بچه هاشان دارند .

بنام خدا

همشهریان مبارز و آگاه آمل!

بعد از پیروزی انقلاب باشکوه خلق قهرمان ایران ، ما کارگران کوره پزخانه های آمل که در بدترین شرایط کارورند - گی قرارداد داریم ، خواستار تغییراتی در وضع زندگی رقت بار و حقوق اذست رفته خود مان از کارفرما هاشدیم . ولی به تجربه دریافتیم که حق گرفتنی است نه دادنی . نه تنها کارفرما ها هیچ قدم مثبتی در جهت بهبود وضع زندگی ما کارگران برنداشتند ، بلکه با دست زدن به هرگونه حیل و وسیله ای زمینه های ایجاد تفرقه و لاسردی را در بین ما بوجود میاورند . ما در عمل دریافتیم که باید دست به یک حرکت جمعی بزنیم و این بدن علت بود که میدیدیم با حرکات پراکنده و خواهش و تمنا کاری از پیش نیامد و فقط اتحاد و همبستگی ما کارگران است که میتواند ، کارفرمایان را مجبور به دادن جزئی از حقوق اذست رفته مان بکند .

مردم کارگردوست و زحمتکش آمل

همچنانکه اطلاع دارید مدتی است که ما را سرگردان کردند با اداره کار طرف شدیم ، حق بجان ما دادند . به فرمانداری رفتیم آنجا نیز حق ما نبود . بالاخره به تهران مان بردند ، نمیدانم مگر قانون کار آمل با تهران فرق میکند ولی حاصل هر چه بود آنجا نیز خواسته های ما را تأیید کردند . اما همواره بنهابس روی کاغذ ماند . ما کارگران عمل میخواهیم باید زندگی ما تا مین شود خودتان هر روز شاهد هستید که چگونه قیمت های

ادامه از صفحه اول نتایج قیام

جنبش توده ای با مضمون و اعتلای انقلاب...
فرزیندها و با ترکیب اشکال مختلف مبارزه و نهایتاً
عالمترین شکل خود ، قیام شکوهمند مسلحانه توده‌ای در
بهمن ماه ، بساط رژیم مزدور سلطنتی را بهم ریخت .
دستگاهی که با ماشین عظیم سرکوب و خفقان خود بسیار
مقاومتر از آن مینمود که طی این پروسه مبارزاتی
نسبتاً کوتاه طومارش درهم پیچیده شود .

این قیام به مثابه تجلی اراده استوار و اعمال
قهرانقلابی توده‌های خلق در برابر هرگونه مقاومت و
حلات جنون آسا و قهر آسا و قهر ضد انقلابی رژیم‌مزدور
شاه معادلات و توطئه‌های حساگرانه امپریالیزم را در
انتقال مسالمت آمیز قدرت سیاسی برهم زد ، انتقالی
که امپریالیزم در آن تمام امیدها و آرزوهای خود را
بر پایه واسطه‌گری و دلال منشی بورژوازی لیبرال و
توهمات لیبرالی خرده‌بورژوازی بنا نهاده بود ، انتقالی
که طی آن امپریالیزم میکوشید تا از موضع قدرت و بسا
ابتکار مستقیم خود و حفظ تمامی نهادهای امپریال -
لیستی سهم قابل توجهی از قدرت را به بورژوازی لیبرال
و تا حدی به بخشهای بالائی خرده بورژوازی تفویض
نماید و آنها را در قدرت شریک نماید بطوریکه
حتی الامکان در جریان این انتقال کمترین زیان را
متحمل گردد ، انتقالی که بختیار از سوی امپریالیزم
بازرگان و سنجایی و ... به عنوان " نمایندگان "
زهبری جنبش نقش آفرین محنه‌های آن بودند و رسالت به
فرجام رساندن آنرا بر عهده گرفته بودند . (۱)

اما شرایط قیام بنا بر ویژه گرایش ، آنچنان
که سخن رفت ، موقعیتی را فراهم آورد تا بورژوازی
لیبرال بخصوص آن بخشی که با آراستن خود به لباس
مذهب، چهره فریبنده تر و قابل اعتمادتری بخودگرفته
بود ، بتواند با تکیه بر تزلزل ، تردید و سبازش
طبقاتی خرده‌بورژوازی و با بهره گیری از توهمات
لیبرالی و مذهبی آن ، در خلا حضور فعال و قدرت
سیاسی متشکل پرولتاریا و نمایندگان سیاسی آن و در
شرایط فقدان شکل و سازمان یافتگی توده ها ، فرصت
بیشتری برای خردن به سمت قدرت سیاسی و اعمال
سیاستهای ضد انقلابی خویش بیابد .
در چنین اوضاع و احوالی انتقال قدرت صورت می -
گیرد ، نیروهای سیاسی جدید جایگزین نیروهای سیاسی
قدیم میگرددند ، انتقال و جایگزینی نوینی که بسا
آنچه که مورد تمایل امپریالیزم بر اساس فرمول سازش
مورد نظر او بود تفاوت داشت .

جنبه طبقاتی تحول سیاسی

قدرت سیاسی بورژوازی کمبرادور با قیام مسلحانه
توده‌ها و سرنگونی رژیم فئودال سلطنتی فروریخت ، اما
کاملاً نابود نشد . قیام بهمن ماه توانست آن بخشهایی
از هیئت حاکمه و قدرت سیاسی حاکم را از سریر قدرت
بزیر کشد که نماینده هارترین و فاشیست ترین جناح -
های امپریالیسم و وابستگان داخلی آنها بود .
امپریالیسم که قبل از قیام با تمام قوا
میکوشید ، حتی الامکان ، و حتی به نفع قربانی کردن
شخص شاه (۲) کماکان اساس سلطنت و باند مستور
بوروکرات را حفظ نموده و سلطه اقتصادی - سیاسی
خویش را از طریق ائتلاف سیاسی این باند به همراه
دیگر جناحهای بورژوازی کمبرادور که در هیئت حاکمه
نقش مغلوب داشتند با بورژوازی لیبرال همچنان

(۱) - " ... دیشب گزارش شد که به منظور مذاکره تاریخی
میان آیت الله خمینی و بختیار ، یک کانال ارتباطی
جدید برقرار شده است . مبتکر این اقدام سیاستمدار
مذهبی انقلاب ایران مهدی بازرگان است که قبلاً نیز
توافقهایی برای انجام مذاکره میان آیت الله و بختیار
ترتیب داده بود . آن توافق بخاطر مداخله یکنوی از
نزدیکان امام خمینی معین مانده است . آیت الله
خمینی در سخنان دیروز خود قویاً از حضور یسکر راه
مسالمت آمیز برای بحران ایران ، طرفداری کرده است .
همچنین بختیار به خبرنگاران خبرگزاری فرانسه
گفت تمساحی با طرفداران آیت الله برقرار شده و راه
مذاکره احتمالی کماکان باز است . " روزنامه کیهان ،
۱۵ بهمن ماه ۵۷ ، به نقل از آسوشیند پرس .

(۲) - بختیار ، به مثابه بیان کننده مواضع
امپریالیزم آمریکا ، اگر در چند روز پس از روی کار
آندش هنوز به بقای شاه اطمینان داشت و در محاصره با

تأمین نماید ، به عنوان اوج روز افزون مبارزات توده -
ها ، ناچار از پذیرش این امر شد که دیگر قادر نخواهد
بود بازی را همچنان با مهره شاه ادامه دهد ، و لذا
شاه از عرصه شطرنج مبارزه به کنار نهاده شد .
امپریالیسم بر آن بود تا این انتقال اجتناب
ناپذیر قدرت را در حدی الامکان با کمترین تصادمات و
فروها و از موضع قدرتی ، با تکیه بر آخرین و قویترین
ابزار سرکوبگری - ارتش - تأمین نماید (۳) اما
توده های انقلابی منطق دیگری داشتند و این منطق را
سرانجام در قیام قهرمانانه بهمن ماه خود ، بطور
آشکار بیان کردند .

نتایج قیام بهمن ماه و جنبه طبقاتی تحول سیاسی حاضر

خواست انقلابی توده ها ، اگرچه بیان ظاهری خود
را در نابودی سلطنت و در شعار " مرگ بر شاه " یافته
بود ، اما " سلطنت " از دیده توده های ستمدیده
ایران ، در حقیقت بیان حاکمیت آن مناسبات استکمرانه
و استثمارگرانه ای بود که سالها حضور نواستعماری
امپریالیزم را در تمام پهنه های سیاسی - اقتصادی -
اجتماعی آن در ایران تحقق بخشیده بود .

توده ها در پس شعار " مرگ بر شاه " و " نابودی
سلطنت " نابودی نظام غارتگرانه سرما به داری وابسته
را جستجو میکردند . و این همان پیامی بود که قیام
بهمن ماه در خود نهفته داشت ، این پیام را هم
امپریالیزم و هم لیبرالهای مابا کینه و وحشت احساس
کردند . از همین رو در نظر آنها درنگ بیش از این
جایز نبود . میبایست هرچه زودتر از گسترش آتش قیامی
که ابتکار رعل را از دست امپریالیزم و لیبرالهای در
حال - اگره و در جستجوی سازش گرفته بود ، جلو -
گیری عمل آورد ، و انقلاب را در حد قربانی شدن
سلطنت و باند مزدور شاه متوقف ساخت .

امپریالیسم و وابستگان داخلی آنها با تمام
قوا کوشیدند که این امر را در جهت خاموش ساختن هرچه
سریع قیام تحقق یابند . لیبرالها و همچنین
خرده بورژوازی نیز که از بروز " ناگهانی " قیام
میپوشت و سراسیمه گشته بود ، هریک به نحوی و از
موضع به ممانعت از گسترش دامنه قیام برآمدند .
و سرانجام نیز تلاشها به شمر رسید و پیروزیها از
سرحد برچیده شدن نظام سلطنت و بساط باند مزدور شاه
فرا تر نرفت .

پیروزیهای انقلاب با تلاش توطئه چینانه امپریا -
لیزم و خیانت بورژوازی لیبرال و ناتوانی ، محافظه -
کاری و توهمات خرده بورژوازی در نیمه راه متوقف
ماند و قیام بیش از آنکه بتواند تمام سنگرهای رژیم
سرما به داری وابسته را در همه جهات آن فتح کند ، به
کوشش آنان به خاموشی گراشد .
بدین ترتیب قیام توانست فقط به حاکمیت سیاسی
باند مزدور شاه یعنی جناح غالب و قدرتمند هیئت
حاکم پایان دهد . اما بخش مغلوب و ضعیفتر آن یعنی
نمایندگان سیاسی بورژوازی کمبرادور غیر بوروکرات
برغم دریافت ضربات کاری و جانگها ، از آماج حملات
نابود کننده قیام ، بدور ماند و توانست در تطابق با
شرایط موجود در قدرت سیاسی جدید نیز مشارکت ورزد .

خبرنگاران در پاسخ به سوالی در همین مورد گفت :
" امیدوارم این مسائل و اختلافات و سوء تفاهات
را بین شاه و ملت حل کنم ... " (۱۶ دیماه ، کیهان) .
پس از گذشت مدتی و گسترش روز افزون مبارزات توده‌ها
به بطالت این خیال خام پی برد و قربانی شدن شاه را
بمثابه یک واقعت پذیرفت :

" من به بازگشت فوری شاه معتقد نیستم ، شاه
قانون اساسی را نقض کرده است " . (اول بهمن روزنامه
آیندگاران) و این تغییر موضع بختیار چیزی جز تغییر
موضع امپریالیزم آمریکا نسبت به شاه نبود .
(۲) - درست در اوج قیام یعنی ۲۱ بهمن ماه ،
بختیار که تا قبل از آن همچنان بر حفظ سلطنت امرا ر
میورزد (به نمایندگی از سوی امپریالیزم) این
موضع را در مصاحبه‌ای چنین اعلام کرد : " قانون اساسی
اجازه هر نوع تغییری را داده است . من جمله اعلام
جمهوری (۱) ولی مردم باید بطور عادی بوسیله مجلس

چرا دامنه قیام توسعه نیافت ؟

چه عواملی مانع توسعه دامنه قیام به تمامی
عرصه حیات قدرت فدخلتی حاکم و نابودی ماشین دولتی
شدند و امکان شرکت بورژوازی کمبرادور را در قدرت
سیاسی فراهم آوردند ؟ پاسخ را میتوان بطور خلاصه چنین
بیان داشت :

۱- سازش بورژوازی لیبرال سوار شده بر گرده
جنبش با نمایندگان بورژوازی کمبرادور و به ویژه
ارتش (یعنی عمده ترین ابزار سرکوب دولتی) (۴) ،
دست یافتن بورژوازی لیبرال به قدرت سیاسی و اعمال
سیاستها و تمایلات ترمز کننده و ضد انقلابی در مانعت
از پیش برد امر انقلاب و جلوگیری از پیش روی قهر
انقلابی توده‌ها برای نابودی کل سیستم وابسته ، کوشش
در جهت برخی اصلاحات و تعدیلات در ماشین دولتی گذشته
از طریق تصفیه و باز نشسته کردن بخشی از فرماندهان
بدنام ارتش ، برای پاسخ موقت به رادیکالیسم انقلابی
جنبش و ایجاد زمینه مساعد برای گزینش عناصر مزدور
و وابسته به امپریالیزم (اما کمتر شناخته شده و به
اصطلاح لیبرال) و یا ابقای این عناصر در بخش نظامی
و مواضع سازمانی مهم ماشین سرکوب و نیز دستگاہ اداری
ماشین دولتی (وزارت اقتصاد و دارائی ، بانک مرکزی
و ...)

۲- مسالمت جوئی و سازش طبقاتی خرده بورژوازی به
قدرت رسیده ، استنباطات و سیاستهای اتوپستی و غیر
طبقاتی وی که بورژوازی لیبرال از قبل از قیام بطور
تمام و کمال از آن بهره می گرفت .

۳- فقدان ستاد رزمنده پرولتاریا ، و ضعف و
ناتوانی سازمانهای انقلابی .
۴- ضعف آگاهی توده‌ها و عدم تشکل سازمان یافتگی
آنها .

تحت شرایط فوق توده‌ها نتوانستند علیرغم مبارزات
بسیار و گسترده انقلابی و قیام شکوهمند مسلحانه
بهمن ، بقدت سیاسی دست یابند و یا حتی سهمی از آن
ببرند . بورژوازی لیبرال در ائتلاف سیاسی با خرده -
بورژوازی سنتی و بدنبال کشاندن آن و در سازش با
بورژوازی کمبرادور غیر بوروکرات که در شرایط قیام
گامهای بزرگی به عقب برداشته بود ، قدرت دولتی را
تغیض نمود ...

وضعیت جناح ضعیف بورژوازی وابسته

در حال حاضر نمایندگان سیاسی بورژوازی
کمبرادور (فوق الذکر) در مقایسه با بورژوازی
لیبرال و خرده بورژوازی از حضور سیاسی (بالفعل)
کمتری در قدرت دولتی برخوردار است ، اما به لحاظ
حفظ قدرت اقتصادی اش و نیز تلاشها و سیاستهای
بورژوازی لیبرال در حفظ و بازسازی ماشین دولتی کهن
(ارتش ، پلیس ، ژاندارمری ، دستگاہ اداری ...) به
تدریج بیش از پیش نفوذ و قدرت خواهد یافت . در این
راه سازش و دنباله وری خرده بورژوازی (به ویژه
خرده بورژوازی مرفه) و سیاستهای اتوپستی و
ارتجاعی آن در شرایط کنونی زمینه بسیار مساعدی برای
این رشد ایجاد می نماید .

تصرف ساده ، نه درهم شکستن !

نیروهای سیاسی جدید ، از راه درهم شکستن ماشین
دولتی گذشته ، به قدرت نرسیدند ، بلکه از راه تصرف
ساده آن حاکمیت سیاسی خود را برقرار کردند . و صف
جدیدی از قدرت سیاسی را با ترکیب بورژوازی لیبرال ،
ادامه در صفحه ۵

مؤسسان یا تشکیل یک مجلس آزاد انتخاباتی اعلام
جمهوری کنند . در پاسخ این سوال که آیا این
تغییر مورد قبول ارتش خواهد بود ؟ گفت : " اگر
این تغییر بطور عادی و آرام انجام گیرد بله ، ولی
اگر به زور و اهانته باشد ، نه " . (۱۶ دیماه - کیهان)
(۲) - روز ۱۹ بهمن ماه روزنامه‌ها اعلام میکنند
که بازرگان در حال " مذاکرات مهمی " با بختیار و
سران ارتش هستند . در همین روز قره باغی در نقشی
خطاب به نظامیان اعلام میکند که " ارتش نباید در
سیاست دخالت کند " که بدون شک اعلام این موضع نشان
از وجود توافقهایی در پشت پرده مذاکرات داشت .
بیهوده نبود که بازرگان در روز ۲۱ بهمن ماه یعنی
درست در کشاکش دامنه قیام در سخنرانی مشروح خود در
حضور بیش از ۱۰۰ هزار نفر درباره ارتش که در پیانها
در حال گشتار مردم بود گفت : " کسی مخالف وحدت و
قدرت ارتش نیست ولی البته در حد معقول (۱) " .